

بررسی رابطه بین سایبرنتیک و ممیزی دانش در سازمان

Investigating the relationship between cybernetics and knowledge auditing in the organization

چکیده:

امروزه سازمان‌ها دریافته‌اند که هیچ سرمایه‌ای به اندازه دانش نمی‌تواند آن‌ها را در دنیای رقابتی مطلوب قرار دهد. لذا بیش از هر عامل دیگری کارکنان سازمان به‌عنوان صاحبان دانش و مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان مورد توجه قرار گرفته‌اند و ممیزی دانش به‌عنوان ابزاری که می‌تواند دانش موجود را گردآوری و نظم و پویایی بخشد و در کل سازمان اشاعه دهد، اهمیت یافته است. اما موضوع مهم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد دیگر با ممیزی دانش می‌باشد. این مقاله تأثیر و رابطه متقابل سایبرنتیک که شامل شش بعد اصلی تنوع و محدودیت، آنتروپی و اطلاعات، ضرورت تنوع و قاعده تصمیم، هدف‌گذاری و کنترل، بازخور و تمایزات و روابط است، با ممیزی دانش که شامل چهار فرآیند اصلی ایجاد دانش، تبدیل و انتقال دانش، حفظ و نگهداری دانش و به کارگیری دانش می‌باشد را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس تحلیل‌های انجام شده، بعد تنوع و محدودیت و فرآیند تبدیل و انتقال دانش به دلیل داشتن شاخص‌های ضعیف حذف شدند. به علاوه، یافته‌های پژوهش حاکی از تایید مدل مفهومی با داده‌های جمع‌آوری شده و رابطه متقابل و معنادار سایبرنتیک و فرآیند ممیزی دانش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سایبرنتیک، ممیزی دانش، دانش سازمانی

نوع مقاله: پژوهشی

علی فروزش‌مهر*
۱- دانشجوی دکتری تخصصی، مدیر انتشارات و کتابخانه شرکت مهندسی و تحقیقات صنایع لاستیک، ایران، شماره تماس: ۰۹۱۲۰۴۶۴۰۲۳

* عهده دار مکاتبات:

* persianprans@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

مقدمه

سایبرنتیک از جمله علمی است که در قرن بیستم پدید آمد و با رشد سریع خود توانست به علوم دیگر راه یابد. موضوع اصلی سایبرنتیک بررسی ماهیت کنترل در انسان، حیوان و ماشین است و لذا با زیست‌شناسی، روانشناسی، مکانیک، مهندسی، مدیریت و بسیاری علوم دیگر همبستگی دارد. سایبرنتیک توانسته به عنوان دانشی مستقل و در عین حال بین رشته‌ای مطرح شود. در این علم به طبقه بندی و سازماندهی اطلاعات توجه زیادی می‌شود و از این رو در مدیریت اطلاعات و نیز در طراحی نظام‌های اطلاع‌رسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اصطلاح سایبرنتیک را اولین بار نوربرت وینر، ریاضی‌دان مشهور، در سال ۱۹۸۴ مطرح کرد. طبق ادعای خودش اولین نفری بود که به یکی کردن تئوری کنترل و ارتباطات پرداخته بود، اما این اتفاق میان مهندسان در سال‌های پیش از جنگ نیز رخ داده بود. با این حال او به روشن سازی این پیوند و بررسی تاثیرات آن فلسفه، روانشناسی و ریاضیات پرداخته بود. او همه چیز را به عنوان سامانه توصیف می‌کند: همه چیز سامانه است با جعبه سیاهی که ورودی و خروجی دارد و این چنین است که چگونگی جریان نیافتن اطلاعات، پارازیت، بازخورد، دوام و غیره قابل مشاهده است. [۵]

اگرچه منشأ اصطلاح فضای سایبرنتیک را یکی از نخستین آثار ویلیام گیبسون یعنی کتاب نوومانسر، دانسته‌اند، لیکن خود گیبسون اظهار می‌دارد که این واژه را از جان برونر، مؤلف کتاب موج سوار، گرفته است. اما برونر نیز ریشه‌ی این اصطلاح را به آینده شناس نام آشنا، الوین تافلر و کتاب شوک آینده وی نسبت می‌دهد. در هر حال، به رغم اینکه درباره ریشه و منشأ اصطلاح فضای سایبرنتیک کمتر شک و شبهه‌ای وجود دارد، درباره مفهوم و معنای آن در میان دانشمندان اختلاف بسیار است. کیزا فضای سایبرنتیک را محیطی برساخته از اطلاعات نامریی، اطلاعاتی که می‌تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد، تعریف می‌کند. وی برای کمک به فهم این مفهوم سازی و آرایه‌ی تصویری مناسب از فضای

سایبرنتیک، به تعریف اجزای فضای سایبرنتیک از طریق اینترنت یا شبکه‌ی جهانی رایانه‌ها می‌پردازد. اما فضای سایبرنتیک مفهومی وسیع‌تر از تعریف کیزا را در بر دارد و به نظر می‌رسد علاوه بر دامنه‌های متداخل و در عین حال منفک ارتباطات دیجیتال و فن‌آوری‌های اطلاعات-اینترنت، تور جهان گستره، رایانه (رایانه+ نامه) یا پست الکترونیک به اضافه‌ی تمام زیرمجموعه‌های آن‌ها شامل سرویس تابلوی اعلانات، اتاق‌های گپ زنی و... که به نوعی در تعریف مختصر کیزا قرار می‌گیرد، فن‌آوری‌های مرتبط از قبیل واقعیت مجازی، سامانه‌های تصویرسازی دیجیتال، فن‌آوری‌های زیست پزشکی جدید، هوش مصنوعی و سامانه‌های محیط دیجیتال تعاملی را باید افزود. برخی فضای سایبرنتیک را با حالت ذهنی و تصورات بصری واقعیت مجازی خلط می‌کنند. واقعیت مجازی مشابه سازی واقعیت از طریق دستکاری بازخورد حسی با استفاده از فن‌آوری‌های مربوط است. گرچه دنیای ساخته شده به وسیله‌ی واقعیت مجازی با فضای سایبرنتیک هم پوشانی پیدا می‌کند، ولی فضای سایبرنتیک از واقعیت مجازی فراتر می‌رود و دامنه‌ی بسیار وسیعی از ارتباطات و تعاملات انسان را دربر می‌گیرد. [۲]

وبستر سایبرنتیک را علم نظریه‌های ارتباطات و کنترل معرفی می‌کند که با مطالعه تطبیقی سامانه‌های کنترل خودکار ارتباط دارد (مانند سامانه‌ی مغز و اعصاب و سامانه‌های ارتباطی مکانیکی الکترونیکی).

جان فیسک سایبرنتیک را علم کنترل معرفی می‌کند. او این واژه را مشتق شده از واژه‌ی یونانی سکاندار می‌داند و در تمثیلی می‌گوید: اگر سکانداري بخواهد کشتی را به بندر براند، اهرم سکان را به سمت راست می‌چرخاند، بعد نگاه می‌کند که ببیند دماغه‌ی کشتی چقدر در بندر می‌چرخد و با مقداری که او اهرم سکان را به سمت راست می‌چرخاند متناسب می‌شود. چشم‌ها قادرش می‌کنند که بازخورد را دریابد، یعنی واکنش دماغه به چرخش اهرم سکان. به همین ترتیب ترموستات در یک سامانه‌ی حرارتی مرکزی به کوره

بعد از مقدمات و مطالب پیش گفته، به مفهومی تقریباً دقیق از سایبرنتیک و اهداف آن دست یافته‌ایم و قصد داریم به نقش سایبرنتیک در زندگی روزمره خود بپردازیم.

سایکو سایبرنتیک از علوم میان رشته‌ای است که به ذهن انسان به عنوان یک سامانه نگاه می‌کند. دانش جدید سایبرنتیک با دلایلی قانع کننده ثابت می‌کند که ذهن نیمه هوشیار به هیچ وجه ذهن نیست بلکه یک مکانیزم است، یک سرومکانیزم هدف جو است که از دستگاه مغز و سامانه‌ی اعصاب تشکیل شده است و از طریق ذهن هدایت می‌شود [۴]. این علم معتقد است انسان برای رسیدن به هدف خود می‌بایست از طریق ذهنش عمل کند. دارای مکانیسمی هدف جو است که به فرمان ذهن در جهتی که خود فرد تعیین می‌کند به کار می‌افتد. این مکانیسم خودکار هدف جو، شباهت زیادی به مکانیسم‌های الکترونیکی ساخته‌ی دست انسان دارد اما از هر مغز الکترونیکی ساخته‌ی دست انسان عالی‌تر و پیچیده‌تر است. این مکانیسم در جهت رسیدن به هدف‌هایی که شما برایش در نظر گرفته‌اید، موفقیت و خوشبختی یا شکست و بدبختی، کار می‌کند. هدف این مکانیسم خلاق دست یابی به تصاویر ذهنی است. تصویر ذهنی ما تعیین کننده‌ی هدف‌های ماست. نظیر هر مکانیسم دیگر، مکانیسم خلاق ما از اطلاعات ذخیره شده یا حافظه برای حل مسایل جاری و نشان دادن واکنش نسبت به موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کند. به اعتقاد دانشمندان مشهور سایبرنتیک از جمله دکتر نوربرت وینر، تا آینده قابل پیش بینی، دانشمندان موفق به ساختن یک مغز الکترونیکی قابل قیاس با مغز انسان نخواهند بود. اما حتی اگر قرار باشد چنین ماشینی ساخته شود فاقد اپراتور و متصدی خواهد بود.

ممیزی اطلاعات

تعریفی از ممیزی اطلاعات که به طور کلی مورد توافق پژوهشگران باشد وجود ندارد، با این حال در فرهنگ کسب و کار ممیزی اطلاعات این گونه تعریف شده است که تجزیه و تحلیل و

پیام می‌فرستد، و با سنجش گرمای اتاق از دماسنج پیام دریافت می‌دارد. این بازخورد کمک می‌کند تا کارکرد را با نیازهای اتاق هماهنگ کند. [۳].

طبق گفته‌ی برخی از اندیشمندان «سایبرنتیک علمی میان رشته‌ای است که به زیست‌شناسی، فیزیک، مطالعه‌ی مغز، مطالعه‌ی رایانه و زبان رسمی علمی به یک اندازه مدیون است. آنچه سایبرنتیک مطالعه می‌کند، جریان اطلاعات حول محور یک سامانه و چگونگی این جریان یافتن است. این کار برای سامانه‌های جاندار و بی‌جان انجام می‌شود. در واقع سایبرنتیک تغییر توجه از اشیاء و پدیده‌ها به جریان روابط و ارتباط چیزها با یکدیگر است [۶].

دکتر پاول پنگرو در یک ویدئوی آموزشی سایبرنتیک را نوعی قاب برای نگاه کردن به دنیا معرفی می‌کند. او سایبرنتیک را شیوه‌ای برای درک دنیا می‌نامد. به عقیده او سایبرنتیک دید افراد را به دنیا تغییر می‌دهد. «سایبرنتیک علم هدایتگر به سمت هدف است. زمانی که ما به دنبال رسیدن به هدف هستیم، ممکن است نیمی از مسیر را اشتباه طی کنیم و گاه تغییر مسیر دهیم، اما با کمک سایبرنتیک می‌توانیم مستقیم به هدفمان برسیم. سه مرحله اساسی در یک مسیر سایبرنتیکی وجود دارد: عمل کردن، احساس کردن و ارزیابی کردن. چنین سامانه‌ای هوشمند است، سامانه‌ای که به اصلاح خود می‌پردازد. ما در دنیایی از سامانه‌های زیست شناختی، اجتماعی و فن آورانه زندگی می‌کنیم. هر کدام از این سامانه‌ها اهدافی دارند که با استفاده از علم سایبرنتیک می‌توان به آن رسید.

وینر موضع مهندسی گرای خود را با آنچه که روانشناس‌هایی مانند والتر کانن در دهه‌ی پیش تحت عنوان رفتار عصبی عضلانی مطرح کرده بودند پیوند داد. وینر مقایسه‌ای انجام داده بود میان رفتار رایانه‌های دیجیتال و سامانه‌ی عصبی انسان‌ها. او به شباهت‌های فن‌آورانه زیست‌شناسه‌ای رسیده بود که سایبرنتیک بر اساس آن‌ها بنا شده بود. [۵]

بوچانان و گیب اهداف ممیزی اطلاعات را موارد زیر بیان می‌کنند:

شناسایی منابع اطلاعاتی سازمان،

شناسایی نیازهای اطلاعاتی سازمان،

شناسایی هزینه‌ها و منافع منابع اطلاعاتی،

شناسایی فرصت‌های استفاده از منابع اطلاعاتی برای مزیت رقابتی راهبردی،

یکپارچه سازی سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات با اقدامات راهبردی کسب و کار،

شناسایی جریان‌ها و فرایندهای اطلاعاتی،

توسعه یک راهبرد / یا سیاست اطلاعاتی راهبردی،

ایجاد آگاهی از اهمیت مدیریت منابع اطلاعاتی و تعریف نقش مدیریت،

رصد و ارزیابی سازگاری و مطابقت با استانداردها، مقررات و خط مشی‌ها و سیاست‌های مرتبط با اطلاعات،

قبل از بحث در مورد فواید حاصل از انجام ممیزی اطلاعات، جالب است به آنچه که در صورت عدم انجام ممیزی اطلاعات رخ می‌دهد نگاهی بیندازیم. استانات که در مقاله ای، که در بوتان نقل شده است، و مواردی که در صورت عدم انجام ممیزی اطلاعات رخ خواهد داد را بیان می‌کند که می‌تواند یکی یا بیشتر موارد زیر باشد:

عدم توانایی شرکت در نشان دادن لحظه‌ای پیشرفت‌های کسب و کار و بازاریابی

هزینه غیرضروری برای اطلاعاتی که توسط سازمان کاربردی ندارد

به علت منابع اطلاعاتی نارسای/ نامرتبط، شرکت رقابت شانه به شانه خود را در بازار از دست می‌دهد

ممیزی اطلاعات چه می‌کند و چه نتایجی دارد؟

اصطلاح ممیزی بر حساب دلالت دارد. ممیزی اطلاعات نه تنها منابع را بررسی می‌کند بلکه چگونگی کاربرد آن‌ها توسط افراد و

ارزیابی نظام اطلاعاتی سازمان (دستی یا رایانه ای) برای تشخیص و اصلاح موانع، تکرارپذیری و کمبود اطلاعات است. اهداف ممیزی بهبود دقت، ربط، امنیت و به هنگام بودن اطلاعات ذخیره شده می‌باشد.

تعریف دیگری که می‌توان برای این واژه بیان کرد بررسی نظام مند منابع اطلاعاتی، کاربرد اطلاعات، جریان های اطلاعاتی و مدیریت آن‌ها در یک سازمان است. ممیزی اطلاعات، مفاهیم کلی نگر ممیزی را از یک محدوده سنتی در حسابرسی و امور مالی به نظام مدیریت اطلاعات سازمانی گسترش داد. اطلاعات به منزله‌ی منبعی است که نیازمند مدیریت مؤثر می‌باشد و این مسئله منجر به پیشرفت علاقه در استفاده از ممیزی اطلاعات شده است. قبل از دهه ۱۹۹۰ و قبل از روش‌های ارائه شده توسط آرنه، هنسل، وود، بوچانان و گیب، رویکردها و روشهای ممیزی اطلاعات به طور عمده روی شناسایی منابع اطلاعاتی رسمی متمرکز بود. بعدها این رویکردها، تجزیه و تحلیل سازمانی و نقشه برداری از جریان اطلاعات را دربر گرفت. ممیزی اطلاعات که ریشه در ممیزی‌های مالی دارد، مدت طولانی است که به عنوان ابزاری مهم در زمینه‌ی مدیریت اطلاعات دیده می‌شود. این پدیده به طور وسیعی در کتابخانه‌ها و سایر سازمان‌ها به‌عنوان یک ابزار برای پیشرفت کاربرد دارد و اگر چه افراد بسیاری هم‌چون گای اس. تی. کلایر، آرنه، و هنسل سعی کرده‌اند تا آن را تعریف کنند، ولی همانطور که در تعریف ممیزی اطلاعات بیان شد هنوز توافق کلی روی یک تعریف وجود ندارد. قبل از اینکه یک سازمان بتواند بطور مؤثر و کارآمد اطلاعاتی را که ایجاد می‌کند، یا در اختیار دارد یا اشاعه می‌دهد را مدیریت کند، باید ابتدا ممیزی فعالیت‌های اطلاعاتی جاری خود را تکمیل کند. ممیزی اطلاعات به‌عنوان ابزاری که می‌تواند برای کمک به آن‌ها در این فرایند، مورد استفاده قرار گیرد، در نظر گرفته شود.

اهداف ممیزی اطلاعات

می‌دهد یا خیر؛ بنابراین ممیزی اطلاعات ابزاری برای ارزیابی و فرآهم آوری اطلاعاتی است که می‌تواند برای برنامه ریزی و اجرای اقدامات اصلاحی به کار گرفته شود.

مزیت اطلاع رسانی: ممیزی ارتباط توجه به فرایند ارتباط در یک سازمان و بهبود آن را هدف قرار می‌دهد. در شیوه‌ای مشابهی ممیزی اطلاعات می‌تواند کمک کند تا توجه کارمندان روی ارزش و مزیت‌های کاربرد اطلاعات به عنوان منبع سازمانی، معطوف باشد.

مزیت آموزشی: طبق اظهارات بوت و بون به نقل از داووز، این مزیت اغلب نادیده گرفته شده است. ممیزی اطلاعات فرصت ایده‌آلی برای درگیر کردن کارمندان در فرایند ممیزی فرآهم می‌آورد. به این ترتیب با تکمیل شدن ممیزی اطلاعات، کارکنان درک و تصور بهتری از اطلاعات و نقش خود در سازمان دارند. محققان بیان می‌کنند که ممیزی اطلاعات فرصتی را ایجاد می‌کند تا کارمندانی که مدیران اطلاعات خواهند شد، یا کسانی که در فرایند مدیریت سازمان در آینده دخیل خواهند بود، آموزش ببینند.

نقش ممیزی اطلاعات در مدیریت دانش

بوتا و بون نقش ممیزی اطلاعات در مدیریت دانش را به چهار سطح زیر ترسیم می‌کنند:

- سطح ۱. مدیریت اطلاعات شخصی: کاربرد اطلاعات؛ ذخیره و امحای اطلاعات؛ بازاریابی اطلاعات؛ اشاعه‌ی و بازتولید اطلاعات
- سطح ۲. مدیریت اطلاعات عملیاتی: شناسایی نیازهای اطلاعاتی؛ تولید اطلاعات یا تولید اطلاعات مورد نیاز، اشاعه اطلاعات؛ شناسایی اطلاعات مرتبط
- سطح ۳. مدیریت اطلاعات سازمانی: توسعه و بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات؛ تعیین ارزش و بهای اطلاعات؛ گردآوری سیاهه‌ی مدخل‌های اطلاعاتی؛ هماهنگی و اجرای سیاست اطلاعاتی سازمانی؛ سازماندهی اطلاعات در یک نظام اطلاعاتی؛ آموزش

اینکه برای چه هدفی است را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ممیزی اطلاعات اقدامات و وظایفی که در یک سازمان اتفاق می‌افتد را ارزیابی می‌کند و منابع اطلاعاتی‌ای که آن‌ها را حمایت می‌کند مورد شناسایی قرار می‌دهد. این پدیده نه فقط کاربرد منابع، بلکه چگونگی استفاده و چگونگی بررسی آنها برای موفقیت آمیز بودن هر کاری را ارزیابی می‌کند. ممیزی اطلاعات نیازمند ترکیبی از افراد و فناوری‌ها است که تضمین می‌کنند اطلاعات مناسب، در زمان مناسب و در مکان مناسب در اختیار افراد مناسب قرار خواهند گرفت. این امر نیازمند معیارهایی برای ارزیابی هزینه‌ها و مزایای سامانه‌های عملیاتی است. این گونه ارزیابی‌ها نیازمند بکارگیری افراد متخصص هستند به ویژه در گرایش‌های منابع انسانی، فلوجارت‌های اطلاعاتی، ابزار فن‌آرانه، پایگاه داده‌ها و بانک‌های اطلاعاتی داووز برخی از فواید حاصل از انجام ممیزی ارتباطات را ارایه می‌دهد. در مطالعه‌ی پیشینه‌ی پژوهش، پژوهشگر بیان می‌کند که این فواید شبیه به خروجی‌های ممیزی اطلاعات است. این فواید مزیت اعتبار، مزیت تشخیصی، مزیت بازخورد، مزیت اطلاع رسانی، و مزیت آموزشی هستند.

مزیت اعتبار: یکی از نتایج حاصل از ممیزی اطلاعات، اطلاعات صحیح و معتبر در مورد وضعیت اطلاعات به عنوان یک منبع سازمانی است؛ بنابراین کیفیت برنامه ریزی و مدیریت، باید اطلاعات دقیق، مرتبط و معتبر که به راحتی در دسترس است را بهبود ببخشد.

مزیت تشخیصی: پژوهشگران عقیده دارند که مزیت تشخیصی چیزی است که ویژگی عمده‌ی ممیزی است. عنصر تشخیصی ممیزی اجازه می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف (شکاف شناسایی شود. این اطلاعات را می‌توان به کار گرفت تا نقاط قوت را ایجاد کنیم و نقاط ضعف را از بین ببریم.

مزیت بازخورد: ممیزی اطلاعات یک عنصر مهم در فرایند بازخورد است. ممیزی اطلاعات برای تعیین این موضوع به کار می‌رود که آیا اطلاعات ورودی، اطلاعات مطلوب را به دست

دانش (یا ممیزی) کمک می‌کند تا حوزه‌های تمرکز برای مدیریت دانش تعیین شوند، جایی که مدیریت دانش بیشترین ارزش را برای سازمان ایجاد می‌کند و یا احتمال خطر از دست دادن دانش را کم می‌کند.

بسیاری از سازمان‌ها انجمن خبرگی را به عنوان بخشی از چارچوب مدیریت دانش معرفی می‌کنند. انجمن خبرگی یک راهکار موردی نیست، آنها با گذر زمان رشد و مراحل بلوغ را طی می‌کنند. ممیزی انجمن خبرگی، امکان دنبال کردن توسعه‌ی انجمن‌های خبرگی را فراهم می‌کند و خروجی ممیزی برای برنامه گام‌های آتی انجمن خبرگی می‌تواند به کار گرفته شود.

ممیزی انجمن خبرگی تعدادی از ابعاد مرتبط با انجمن خبرگی را بررسی می‌کند. به عنوان مثال:

- رهبری و حمایت
- طرح توجیهی
- منابع و نقش‌ها
- مشارکت اعضا
- تحویل دادنی‌ها و فعالیت‌ها
- ارتباطات
- فرآیند
- فناوری
- پاداش
- سنجه‌ها

بلوغ‌سنجی مدیریت دانش، به عنوان یک بازنگری سریع از وضعیت فعلی مدیریت دانش در نظر گرفته می‌شود. بلوغ‌سنجی مدیریت دانش به عنوان یک راهنمای کلی می‌تواند مفید باشد اما به ممیزی با جزئیات بیشتر برای نتیجه‌گیری لازم است. مدیریت دانش بیشتر تغییر گام به گام است تا یک فرآیند بلوغ و استفاده از شاخص بلوغ برای هر مؤلفه مدیریت دانش، به عنوان مثال انجمن خبرگی، گمراه کننده خواهد بود.

استفاده از استانداردهای بین‌المللی مانند ایزو برای ممیزی

اطلاعات؛ مشاوره‌ی اطلاعاتی؛ برنامه ریزی، توسعه و ارزیابی مداوم نظام‌های اطلاعاتی

سطح ۴. مدیریت اطلاعات راهبردی: تدوین سیاست اطلاعاتی سازمانی؛ مدیریت منابع مالی، فیزیکی و انسانی به منظور فراهم‌آوری نظام‌های اطلاعاتی؛ تشخیص نیازهای اطلاعاتی راهبردی

نتیجه‌گیری

در این‌که مدیریت دانش برای سازمان ارزش خلق می‌کند شکی نیست اما مدیریت دانش به سرمایه‌گذاری و انجام اقدامات لازم نیاز دارد. یکی از ملاحظات مهم، اولویت‌بندی فعالیت‌های مدیریت و تمرکز بر موضوعات دانشی با بالاترین اولویت است.

دانش یک سازمان ممکن است بی‌نهایت باشد و مدیریت تمام دانش سازمان امکان‌پذیر نیست. در برخی موارد، مدیریت دانش به دلیل عدم اولویت‌بندی اقدامات و نبود توافق بر روی موضوعات دانشی مهم و حیاتی برای سازمان یا حتی برای یک حوزه‌ی کارکردی شکست می‌خورد. دانش حیاتی دانشی است که برای دستیابی به اهداف سازمان ضروری است. دانش حیاتی می‌بایست بر اساس معیارهای مورد توافق اولویت‌بندی شود. در نظر گرفتن سوالات زیر کمک کننده خواهد بود:

- موضوع مهم فعلی
- موضوع مهم آتی
- سطح مستندسازی موضوع
- سطح فعلی انتشار دانش
- سطح بلوغ موضوع
- سطح خبرگی موضوع مورد نظر
- سطح خبرگی آتی مورد نیاز
- امکان جایگزینی دانش در صورت از دست دادن دانش
- احتمال خطر از دست دادن دانش
- یک پیشنهاد مهم، پیاده‌سازی پوییدن دانشی می‌باشد که هدف آن شناسایی دانش‌هایی است که نیاز به توجه دارند. پوییدن

مدیریت دانش به اعتبار بخشیدن به اهداف پیاده‌سازی مدیریت نویسنده از حمایت‌های شرکت مهندسی و تحقیقات صنایع دانش و شناسایی نقاط قوت و قابل بهبود کمک می‌کند. لاستیک صمیمانه تشکر می‌کند *IRM*

سپاسگزاری

مراجع

- [۱] بیر ا. (۱۳۸۴). «سایبرنتیک چیست؟». جمالی مهمونی ح و اسدی س. تدبیر. ش ۱۵۵. ۴۹-۵۵.
 - [۲] دوران ب. (۱۳۸۲). «هویت ملی و تعامل در فضای سایبرنتیک». نامه پژوهش فرنگی. ش ۶. ۵۳-۱۰۸.
 - [۳] فیسک ج. (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات ارتباطی. غبرایی م. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
 - [۴] کمالی زارع ع. (۱۳۷۵). «سایکو سایبرنتیک نگرشی سیستمی به عملکرد مغز و اعصاب». حسابدار. ش ۱۱۴. ۴۳-۴۷.
- [5] Mindell, David A. 2000. Cybernetics Knowledge domains in engineering systems
- [6] cybernetics and autopoliesis theory as a study of complex organizations. a systemic approach.
- [7] Velentzas, John- Broni, Georgia. 2011. international conference on applied economics-ICOAE.



I

nvestigating the relationship between cybernetics and knowledge auditing in the organization

A. Forouzesh-Mehr*

1. PhD Student, Director of Publications and Library of Rubber Industry Engineering and Research Company, Iran, Contact Number: 09120464023

*Corresponding author Email: persianprans@yahoo.com

Abstract: Organizations today have realized that no amount of capital as knowledge can place them in a highly competitive world. Therefore, more than any other factor, the employees of the organization have been considered as knowledge owners and the most important assets of the organization and knowledge auditing has become important as a tool that can collect, organize and dynamize existing knowledge and disseminate throughout the organization. Is. But it is important to influence and influence other dimensions by auditing knowledge. This article discusses the effect and relationship of cybernetics, which includes the six main dimensions of diversity and constraint, entropy and information, the necessity of diversity and the rule of decision, goal setting and control, feedback and distinctions and relationships, with knowledge auditing that includes four main processes of knowledge creation, transformation. And examines the transfer of knowledge, the preservation and maintenance of knowledge, and the application of knowledge. Based on the performed analyzes, the dimension of diversity and limitations and the process of knowledge conversion and transfer were eliminated due to weak indicators. In addition, the research findings confirm the conceptual model with the collected data and the significant interaction between cybernetics and the knowledge audit process.

Keywords: : Cybernetics, Knowledge Audit, Organizational Knowledge, Butterfly Effect